



شما در حال مطالعه نسخه آفلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

قید مکان در انگلیسی + مثال و ترجمه

ارسال شده توسط مصطفی ساهری | مقالات زبان انگلیسی | ۲۰۲۹ک بازدید | ۱۴۰۵/۰۴/۰۲

قید مکان در انگلیسی

Adverbs of Place in English

مثال و ترجمه +

zabanmaster.com

قید مکان در انگلیسی به ما می‌گوید یک کار یا اتفاق کجا رخ می‌دهد؛ مثلاً اینجا، آنجا، داخل، بیرون، طبقه بالا یا هر جای دیگر. یادگیری درست این قیده‌ها باعث می‌شود جمله‌های انگلیسی شما طبیعی‌تر، دقیق‌تر و قابل‌فهم‌تر شوند. در این بخش از **آموزش زبان انگلیسی** با زبان‌مستر با معنی، کاربرد، جایگاه و مثال‌های واقعی قیده‌های مکان در انگلیسی آشنا می‌شویم.

موضوعات این مقاله

- ۱ قید مکان در انگلیسی چیست؟
- ۲ مثال برای قید مکان در انگلیسی
- ۳ انواع قید مکان در انگلیسی
- ۴ جدول قیده‌های مکان پرکاربرد در انگلیسی
- ۵ جایگاه قید مکان در جمله انگلیسی
- ۶ ترتیب قید مکان و زمان در زبان انگلیسی
- ۷ تفاوت قید مکان با حرف اضافه مکان در انگلیسی
- ۸ تفاوت قید مکان با عبارت مکانی در انگلیسی
- ۹ قید مکان در سؤال‌ها و جواب‌های روزمره
- ۱۰ تفاوت قیده‌های مکان مشابه در انگلیسی
- ۱۱ مثال‌های واقعی از قید مکان در مکالمه انگلیسی
- ۱۲ جمع بندی
- ۱۳ سوالات متداول

قید مکان در انگلیسی چیست؟

قید مکان در انگلیسی یا **Adverb of Place** کلمه‌ای است که نشان می‌دهد یک کار، اتفاق یا وضعیت کجا رخ می‌دهد. این قیدها معمولا به سؤال **Where?** جواب می‌دهند. به مثال‌های زیر دقت کنید:

I'm here.

من اینجا هستم.

She went outside.

او بیرون رفت.

The kids are playing upstairs.

بچه‌ها طبقه بالا بازی می‌کنند.

در هر سه جمله، کلماتی مثل **here**، **outside** و **upstairs** نشان می‌دهند عمل یا وضعیت در چه مکانی اتفاق افتاده است. به همین دلیل به آن‌ها قید مکان می‌گوییم.

قیدهای مکان در مکالمه روزمره انگلیسی بسیار پرکاربرد هستند؛ چون بدون آن‌ها جمله‌ها ناقص، مبهم یا کم‌جزئیات می‌شوند. مثلا جمله‌ی **Put it**. کامل و طبیعی نیست؛ اما اگر بگوییم **Put it there**، معنی جمله واضح می‌شود: «آن را آنجا بگذار.»

بیشتر بخوانید: آموزش کامل قید در انگلیسی

مثال برای قید مکان در انگلیسی

برای اینکه کاربرد قید مکان را بهتر بفهمید، چند مثال ساده و واقعی را ببینید:

Come **here** for a second.

یک ثانیه بیا اینجا.

I left my phone **upstairs**.

گوشی‌ام را طبقه بالا جا گذاختم.

It's cold **outside**.

بیرون سرد است.

There's nothing **inside**.

داخلش چیزی نیست.

I looked **everywhere**, but I couldn't find it.

همه جا را گشتم، اما نتوانستم پیدايش کنم.

He lives **nearby**.

او همین نزدیکی زندگی می‌کند.

در این مثال‌ها، قیدهای مکان به ما کمک می‌کنند دقیق‌تر بفهمیم شخص یا شیء کجاست یا عمل در چه مکانی انجام شده است.

بیشتر بخوانید: **قیدهای already still yet**

انواع قید مکان در انگلیسی

قیدهای مکان فقط به کلماتی مثل **here** و **there** محدود نمی‌شوند. در انگلیسی، قیدهای مکان را می‌توان از نظر کاربرد به چند دسته تقسیم کرد.

۱- قیدهای مکان ساده

این قیدها مستقیم به یک مکان اشاره می‌کنند؛ بدون اینکه لزوماً مسیر، جهت یا فاصله را توضیح دهند. مهم‌ترین قیدهای مکان ساده عبارت‌اند از:

| معنی فارسی | قید مکان |
|---------------|------------|
| اینجا | here |
| آنجا | there |
| همه جا | everywhere |
| هیچ جا | nowhere |
| جایی | somewhere |
| هرجا / هیچ جا | anywhere |

به این مثال‌ها دقت کنید:

I'll wait **here**.

من اینجا منتظر می‌مانم.

Put your bag **there**.

کیفت را آنجا بگذار.

We searched **everywhere**.

همه جا را گشتیم.

There was **nowhere** to park.

هیچ جا برای پارک کردن نبود.

I need **somewhere** quiet.

من یک جای ساکت لازم دارم.

در مکالمه روزمره، این قیدها بسیار رایج اند و در جمله های کوتاه هم زیاد استفاده می شوند.

Where are you?

کجایی؟

I'm **here**.

اینجا هستم؟

Where did you put my keys?

کلیدهایم را کجا گذاشتی؟

Over there.

آن طرف / آنجا.

۲- قیدهای مربوط به داخل و بیرون

بعضی از قیدهای مکان نشان می‌دهند چیزی یا کسی داخل یک فضاست یا بیرون آن.

| معنی فارسی | قید مکان |
|------------------|----------|
| داخل | inside |
| بیرون | outside |
| داخل ساختمان | indoors |
| بیرون / فضای باز | outdoors |

مثال:

Stay **inside**. It's raining.

داخل بمان. باران می‌آید.

The children are playing **outside**.

بچه‌ها بیرون بازی می‌کنند.

We stayed **indoors** all day.

تمام روز داخل خانه ماندیم.

I love eating **outdoors** in summer.

من عاشق غذا خوردن در فضای باز در تابستان هستم.

تفاوت مهمی بین **inside** و **indoors** وجود دارد. کلمه‌ی **inside** می‌تواند به داخل هر چیزی اشاره کند؛ مثلاً خانه، ماشین، کیف یا جعبه. اما **indoors** معمولاً به داخل خانه یا ساختمان اشاره دارد.

There's a note **inside**.

داخلش یک یادداشت هست.

It's too hot to stay **indoors**.

هوا آن قدر گرم است که نمی‌شود داخل خانه ماند.

۳- قیدهای مربوط به بالا و پایین

این قیدها مکان را از نظر بالا، پایین، طبقه بالاتر یا طبقه پایین‌تر نشان می‌دهند.

| معنی فارسی | قید مکان |
|------------|------------|
| طبقه بالا | upstairs |
| طبقه پایین | downstairs |
| بالاتر | above |
| پایین‌تر | below |
| بالا | up |
| پایین | down |

مثال:

My room is **upstairs**.

اتاق من طبقه بالاست.

The kitchen is **downstairs**.

آشپزخانه طبقه پایین است.

Look **up**.

بالا را نگاه کن.

Don't look **down**.

پایین را نگاه نکن.

The apartment **above** is empty.

آپارتمان بالایی خالی است.

در جمله‌های روزمره، **upstairs** و **downstairs** بسیار کاربردی‌اند، مخصوصاً وقتی درباره خانه، مدرسه، شرکت یا هتل صحبت می‌کنیم.

I'll be **upstairs** if you need me.

اگر کاری داشتی، طبقه بالا هستم.

Can you come **downstairs** for a minute?

می‌توانی یک دقیقه بیایی طبقه پایین؟

۴- قیدهای مربوط به جهت حرکت

بعضی قیدهای مکان فقط نمی‌گویند چیزی کجاست؛ بلکه جهت حرکت را هم نشان می‌دهند.

| معنی فارسی | قید مکان |
|-------------|----------|
| دور | away |
| عقب / برگشت | back |
| جلو | forward |
| عقب | backward |
| اطراف / دور | around |
| کنار | aside |
| جلوتر | ahead |

مثلا:

Go **away**.

برو دور شو.

Come **back** soon.

زود برگرد.

Move **forward**, please.

لطفا برو جلوتر.

Step **back**.

یک قدم برو عقب.

Look around.

اطراف را نگاه کن.

Put your phone aside.

گوشی‌ات را کنار بگذار.

The station is just ahead.

ایستگاه درست جلوتر است.

این دسته از قیدهای مکان در مکالمات واقعی بسیار مهم‌اند؛ چون در دستور دادن، آدرس دادن، توصیف حرکت و مکالمات روزمره زیاد استفاده می‌شوند.

۵- قیدهای مکان نامشخص

گاهی مکان دقیق را نمی‌دانیم یا نمی‌خواهیم دقیق بیان کنیم. در این حالت از قیدهای نامشخص استفاده می‌کنیم.

| معنی فارسی | قید مکان |
|---------------|------------|
| جایی | somewhere |
| هرجا / هیچ‌جا | anywhere |
| همه‌جا | everywhere |
| هیچ‌جا | nowhere |

مثال‌ها:

Let's go **somewhere** quiet.

بیا برویم یک جای ساکت.

You can sit **anywhere**.

می توانی هر جایی بنشینی.

I've seen this guy **somewhere** before.

این مرد را قبلا یک جایی دیده‌ام.

I have **nowhere** to go.

هیچ جایی برای رفتن ندارم.

نکته مهم این است که **anywhere** در جمله‌های مثبت، منفی و سؤالی می‌تواند معنی متفاوتی داشته باشد.

You can sit **anywhere**.

هرجا خواستی می‌توانی بنشینی.

I can't find it **anywhere**.

هیچ جا نمی‌توانم پیدايش کنم.

Did you go **anywhere** yesterday?

دیروز جایی رفتی؟

پس معنی **anywhere** را باید از نوع جمله تشخیص دهید.

۶- قیدهای مربوط به فاصله

این قیدها نشان می‌دهند چیزی نزدیک است، دور است یا در فاصله خاصی قرار دارد.

| معنی فارسی | قید مکان |
|------------------|------------|
| همین نزدیکی | nearby |
| نزدیک | close by |
| دور | far away |
| خیلی دور | miles away |
| خانه / واحد بغلی | next door |

مثال‌ها:

There's a pharmacy **nearby**.

همین نزدیکی یک داروخانه هست.

My parents live **close by**.

پدر و مادرم همین نزدیکی زندگی می‌کنند.

The beach is **far away**.

ساحل دور است.

Don't worry. I'm not **far away**.

نگران نباش. من زیاد دور نیستم.

She lives **next door**.

او خانه بغلی زندگی می‌کند.

این قیدها مخصوصا در آدرس دادن، مکالمه شهری، سفر و صحبت درباره محل زندگی زیاد استفاده می‌شوند.

جدول قیدهای مکان پرکاربرد در انگلیسی

در جدول زیر، چند قید مکان پرکاربرد را همراه با معنی فارسی می‌بینید.

| معنی فارسی | قید مکان |
|--------------|------------|
| اینجا | here |
| آنجا | there |
| این طرف | over here |
| آن طرف | over there |
| داخل | inside |
| بیرون | outside |
| طبقه بالا | upstairs |
| طبقه پایین | downstairs |
| داخل ساختمان | indoors |
| فضای باز | outdoors |
| همه جا | everywhere |
| جایی | somewhere |
| هرجا | anywhere |
| هیچ جا | nowhere |
| نزدیک | nearby |
| دور | away |
| عقب / برگشت | back |
| جلو | forward |
| اطراف | around |
| جلوتر | ahead |
| پشت | behind |
| بالا تر | above |
| پایین تر | below |

نکته مهم این است که بعضی از این کلمات در بعضی جمله‌ها می‌توانند نقش‌های دیگری هم داشته باشند. مثلا **inside** گاهی قید است و گاهی حرف اضافه. در ادامه این تفاوت را دقیق‌تر بررسی می‌کنیم.

جایگاه قید مکان در جمله انگلیسی

یکی از مهم‌ترین نکات در استفاده از قید مکان در انگلیسی، جای درست آن در جمله است. اگر قید مکان را در جای نامناسب قرار دهید، جمله ممکن است غیرطبیعی یا حتی اشتباه شود.

قید مکان معمولا بعد از فعل اصلی می‌آید

در ساده‌ترین حالت، قید مکان بعد از فعل اصلی قرار می‌گیرد.

She sat here.

او اینجا نشست.

The kids are playing outside.

بچه‌ها بیرون بازی می‌کنند.

He lives nearby.

او همین نزدیکی زندگی می‌کند.

I looked around.

اطراف را نگاه کردم.

در این جمله‌ها، قید مکان مستقیما بعد از فعل آمده و مکان یا جهت عمل را مشخص کرده است.

قید مکان بعد از مفعول می آید

اگر جمله مفعول داشته باشد، معمولا قید مکان بعد از مفعول می آید، نه بین فعل و مفعول. در نتیجه جملات زیر نادرست و غیرطبیعی هستند:

- Put there your bag
- I left upstairs my phone
- She took outside the dog

اما این جملات درست و طبیعی هستند:

Put your **bag** there.

کیفت را آنجا بگذار.

I left my **phone** upstairs.

گوشی ام را طبقه بالا جا گذاشتم.

She took the **dog** outside.

او سگ را بیرون برد.

در انگلیسی معمولا نباید قید مکان را بین فعل و مفعول بیاوریم. اول فعل و مفعول می آید، بعد قید مکان.

قید مکان بعد از فعل to be می آید

وقتی در جمله از فعل **to be** استفاده می شود، قید مکان معمولا بعد از آن قرار می گیرد.

I'm here.

من اینجا هستم.

She is outside.

او بیرون است.

They were upstairs.

آن‌ها طبقه بالا بودند.

The restaurant is nearby.

رستوران همین نزدیکی است.

این ساختار در مکالمه روزمره بسیار رایج است.

Where are you?

کجایی؟

I'm downstairs.

طبقه پایینم.

قید مکان می‌تواند ابتدای جمله بیاید

گاهی قید مکان را برای تأکید، توصیف فضا یا شروع یک روایت در ابتدای جمله می‌آوریم.

Outside, it was freezing.

بیرون هوا یخ بود.

Upstairs, everyone was asleep.

طبقه بالا همه خواب بودند.

Here, you can see the main entrance.

اینجا می‌توانید ورودی اصلی را ببینید.

There, I found the answer.

آنجا جواب را پیدا کردم.

این ساختار بیشتر در نوشتار، روایت، توضیح تصویر، راهنمایی و متن‌های توصیفی دیده می‌شود. در مکالمه هم استفاده می‌شود، اما همیشه لازم نیست.

ترتیب قید مکان و زمان در زبان انگلیسی

یکی از سؤال‌های رایج زبان‌آموزان این است که اگر در یک جمله هم قید مکان داشته باشیم و هم قید زمان، کدام یک زودتر می‌آید؟

در حالت معمول، در انگلیسی اول قید مکان و بعد قید زمان می‌آید. ساختار رایج:

فعل + مکان + زمان

مثال:

We met at the café yesterday.

دیروز در کافه همدیگر را دیدیم.

She stayed home last night.

او دیشب خانه ماند.

I saw him outside this morning.

امروز صبح او را بیرون دیدم.

They arrived here an hour ago.

آن‌ها یک ساعت پیش اینجا رسیدند.

در این جمله‌ها، اول مکان آمده و بعد زمان. البته در بعضی جمله‌ها می‌توان قید زمان را اول جمله آورد؛ مخصوصاً وقتی بخواهیم روی زمان تأکید کنیم.

Yesterday, we met at the café.

دیروز در کافه همدیگر را دیدیم.

This morning, I saw him outside.

امروز صبح او را بیرون دیدم.

پس اگر بخواهیم درباره قید زمان و مکان در زبان انگلیسی صحبت کنیم، قاعده ساده این است: در انتهای جمله معمولاً اول مکان و بعد زمان می‌آید؛ اما قید زمان می‌تواند برای تأکید به ابتدای جمله منتقل شود.

تفاوت قید مکان با حرف اضافه مکان در انگلیسی

یکی از نکات مهم این است که بعضی کلمات در انگلیسی هم می‌توانند قید مکان باشند و هم حرف اضافه مکان. تفاوت آن‌ها به ساختار جمله بستگی دارد. وقتی کلمه به تنهایی مکان یا جهت را توضیح می‌دهد، معمولاً قید مکان است. مثال:

Come **inside**.

بیا داخل.

Let's go **outside**.

بیا برویم بیرون.

He looked **around**.

او اطراف را نگاه کرد.

اما وقتی همان کلمه قبل از یک اسم می‌آید و رابطه مکانی بین دو چیز را نشان می‌دهد، معمولاً حرف اضافه است. مثلاً:

Come **inside** the house.

بیا داخل خانه.

Let's go **outside** the building.

بیا برویم بیرون ساختمان.

He walked **around** the park.

او دور پارک قدم زد.

در جمله ی **Come inside**، کلمه ی **inside** به تنهایی آمده و می گوید به کجا بیا؛ پس قید مکان است. اما در جمله ی **Come** **inside the house**، کلمه ی **inside** قبل از اسم **the house** آمده و رابطه مکانی را نشان می دهد؛ پس نقش حرف اضافه دارد. چند مثال دیگر:

The dog is **outside**.

سگ بیرون است. (outside = قید مکان)

The dog is **outside the house**.

سگ بیرون خانه است. (outside = حرف اضافه)

She went **upstairs**.

او رفت طبقه بالا. (upstairs = قید مکان)

She went **up the stairs**.

او از پله ها بالا رفت. (up = حرف اضافه / جهت دهنده حرکت)

این تفاوت برای زبان آموزان مهم است، چون باعث می شود ساختار جمله را درست تر بسازند.

بیشتر بخوانید: حرف اضافه در انگلیسی

تفاوت قید مکان با عبارت مکانی در انگلیسی

گاهی زبان‌آموزان فکر می‌کنند هر چیزی که مکان را نشان دهد، قید مکان است. اما این دقیق نیست. قید مکان معمولاً یک کلمه یا عبارت کوتاه است؛ مثل:

- here
- there
- outside
- upstairs
- nearby
- somewhere

اما عبارت مکانی معمولاً از چند کلمه تشکیل می‌شود و اغلب با حرف اضافه می‌آید؛ مثل:

- in the room
- at home
- on the table
- under the bed
- next to the door

به مقایسه زیر توجه کنید:

I'm here.

من اینجا هستم.

I'm in the room.

من داخل اتاق هستم.

در جمله اول، **here** قید مکان است. در جمله دوم، **in the room** یک عبارت مکانی است. مثال‌های بیشتر:

She is **outside**.

او بیرون است.

She is **outside the building**.

او بیرون ساختمان است.

The keys are **there**.

کلیدها آنجا هستند.

The keys are **on the table**.

کلیدها روی میز هستند.

در هر دو حالت، جمله درباره مکان صحبت می‌کند؛ اما از نظر گرامری ساختار آن‌ها فرق دارد.

قید مکان در سؤال‌ها و جواب‌های روزمره

قیدهای مکان در سؤال و جواب‌های روزمره انگلیسی خیلی زیاد استفاده می‌شوند. معمولا برای پرسیدن مکان از **Where** استفاده می‌کنیم.

Where are you?

کجایی؟

I'm **outside**.

بیرونم.

Where did you put my phone?

گوشی‌ام را کجا گذاشتی؟

It's upstairs.

طبقه بالاست.

Where should I sit?

کجا باید بنشینم؟

You can sit anywhere.

می‌توانی هر جایی بنشینی.

Where did he go?

او کجا رفت؟

He went inside.

او رفت داخل.

در جواب‌های کوتاه، قیدهای مکان خیلی طبیعی‌اند. لازم نیست همیشه جمله بلند بسازید.

Where's Ali?

علی کجاست؟

Upstairs.

طبقه بالا.

Where are the kids?

بچه‌ها کجا هستند؟

Outside.

بیرون.

Where should I put this?

این را باید کجا بگذارم؟

Over there.

آن طرف.

این نوع جواب‌ها در انگلیسی محاوره‌ای کاملاً طبیعی‌اند.

تفاوت قیدهای مکان مشابه در انگلیسی

بعضی قیدهای مکان در انگلیسی از نظر معنی به هم نزدیک‌اند، اما دقیقاً یکسان نیستند. شناخت این تفاوت‌ها کمک می‌کند طبیعی‌تر و دقیق‌تر صحبت کنید.

تفاوت here و over here

Here یعنی «اینجا». **Over here** یعنی «این طرف» یا «اینجا، نزدیک من». مثلاً:

I'm here.

من اینجا هستم.

Come over here.

بیا این طرف.

وقتی می‌خواهید توجه کسی را به سمت خودتان جلب کنید، **over here** طبیعی‌تر است.

Hey, I'm over here!

هی، من این طرفم!

تفاوت there و over there

There یعنی «آنجا». **Over there** معمولا یعنی «آن طرف» و کمی اشاره‌دارتر است. مثال:

Your bag is there.

کیفت آنجاست.

Your bag is **over there**, by the door.

کیفت آن طرف، کنار در است.

در مکالمه، وقتی به یک مکان مشخص اشاره می‌کنیم، **over there** خیلی طبیعی است.

تفاوت in و inside

Inside وقتی به تنهایی بیاید، معمولا قید مکان است و معنی «داخل» می‌دهد.

Come **inside**.

بیا داخل.

اما **in** معمولا قبل از اسم می آید و حرف اضافه است.

Come **in the room**.

این جمله در بسیاری از موقعیت ها طبیعی نیست. حالت طبیعی تر:

Come **into the room**.

بیا داخل اتاق.

یا:

Come **in**.

بیا داخل.

پس در مکالمه روزمره معمولا می گوییم:

Come **in**.

بیا داخل.

Come **inside**.

بیا داخل.

ولی اگر اسم بعد از آن بیاید، باید ساختار را درست انتخاب کنیم:

Go inside the house.

برو داخل خانه.

Put it in the bag.

آن را داخل کیف بگذار.

تفاوت out و outside

Outside بیشتر به «بیرون بودن از یک مکان» اشاره دارد. **Out** بیشتر روی «حرکت به بیرون» یا «بیرون رفتن» تأکید دارد.

مثال:

The kids are outside.

بچه‌ها بیرون هستند.

Get out!

برو بیرون!

She went outside.

او رفت بیرون.

She ran **out** of the room.

او از اتاق دوید بیرون.

در جمله‌های کوتاه، **outside** معمولاً آرام‌تر و توصیفی‌تر است؛ اما **out** در بعضی موقعیت‌ها مستقیم‌تر و قوی‌تر به نظر می‌رسد.

تفاوت over و above

هر دو می‌توانند به مفهوم «بالا» اشاره کنند، اما همیشه یکی نیستند. **Above** معمولاً یعنی چیزی در سطحی بالاتر قرار دارد، اما لزوماً دقیقاً روی چیز دیگر نیست.

The plane flew **above** the clouds.

هواپیما بالای ابرها پرواز کرد.

Over بیشتر زمانی استفاده می‌شود که چیزی بالای چیز دیگری باشد یا از روی آن عبور کند.

The bridge **goes over** the river.

پل از روی رودخانه رد می‌شود.

The lamp is **over** the table.

چراغ بالای میز است.

در مکالمه روزمره، برای چیزهایی که دقیقاً بالای چیز دیگری هستند، **over** خیلی رایج است.

تفاوت under و below

هر دو می‌توانند معنی «پایین» یا «زیر» بدهند، اما کاربردشان کمی فرق دارد. **Below** معمولا یعنی پایین‌تر از یک سطح، عدد، درجه یا جایگاه.

The temperature is **below** zero.

دما زیر صفر است.

Our apartment is **below** theirs.

آپارتمان ما پایین‌تر از آپارتمان آن‌هاست.

Under معمولا یعنی چیزی مستقیماً زیر چیز دیگری قرار دارد.

The cat is **under** the table.

گربه زیر میز است.

Your shoes are **under** the bed.

کفش‌هایت زیر تخت هستند.

پس برای مکان فیزیکی مستقیم، **under** معمولا طبیعی‌تر است.

تفاوت **next to** و **beside**

هر دو معنی «کنار» می‌دهند و در بسیاری از جمله‌ها قابل جایگزینی‌اند، اما **next to** در مکالمه روزمره رایج‌تر است.

She sat **next to** me.

او کنار من نشست.

There's a café **next to** the bank.

کنار بانک یک کافه هست.

Beside کمی رسمی‌تر یا نوشتاری‌تر است.

She stood **beside** the window.

او کنار پنجره ایستاد.

برای مکالمه روزمره، معمولاً **next to** انتخاب طبیعی‌تری است.

تفاوت **anywhere** و **somewhere**

Somewhere یعنی «یک جایی» و معمولاً در جمله‌های مثبت استفاده می‌شود.

I left my keys **somewhere**.

کلیدهایم را یک جایی جا گذاشتم.

Anywhere در جمله‌های سؤالی و منفی زیاد استفاده می‌شود.

Did you go **anywhere**?

جایی رفتی؟

I can't find my keys **anywhere**.

هیچ جا نمی‌توانم کلیدهایم را پیدا کنم.

اما **anywhere** در جمله مثبت هم می‌تواند معنی «هرجا» بدهد.

You can sit **anywhere**.

هرجایی می‌توانی بنشینی.

مثال‌های واقعی از قید مکان در مکالمه انگلیسی

در این بخش چند جمله طبیعی و پرکاربرد می‌بینید که شبیه جمله‌هایی هستند که یک Native Speaker در مکالمه روزمره استفاده می‌کند.

I'll be **right here** if you need me.

اگر کاری داشتی، من همین جا هستم.

Can you wait **outside** for a minute?

می‌توانی یک دقیقه بیرون منتظر بمانی؟

I think I left my wallet **downstairs**.

فکر کنم کیف پولم را طبقه پایین جا گذاشتم.

Don't go **anywhere**. I'll be back in a second.

هیچ جا نرو. یک ثانیه دیگر برمی‌گردم.

There's a coffee shop **nearby**.

همین نزدیکی یک کافی‌شاپ هست.

Come **over here** and look at this.

بیا این طرف و این را نگاه کن.

The kids are **upstairs** watching TV.

بچه ها طبقه بالا دارند تلویزیون نگاه می کنند.

Let's sit **outside**. The weather is nice.

بیا بیرون بنشینیم. هوا خوب است.

I've looked **everywhere** for my charger.

همه جا دنبال شارژرم گشته ام.

Put it **back where you found it**.

آن را همان جایی بگذار که پیدایش کردی.

I don't want to go **anywhere** tonight.

امشب نمی خواهم جایی بروم.

The bathroom is **down the hall**.

سرویس بهداشتی پایین راهرو است.

He's not **here** right now.

او الان اینجا نیست.

I saw your keys **over there**.

کلیدهایت را آن طرف دیدم.

She moved **away** last year.

او پارسال از اینجا رفت / نقل مکان کرد.

این جمله‌ها هم برای مکالمه روزمره مفیدند، هم به شما کمک می‌کنند قیدهای مکان را در جمله‌های واقعی یاد بگیرید، نه فقط به صورت لیست لغت.

[بیشتر بخوانید: آموزش جملات مکالمه انگلیسی](#)

جمع بندی

قید مکان در انگلیسی برای نشان دادن محل وقوع یک عمل یا وضعیت استفاده می‌شود و به سؤال «کجا؟» پاسخ می‌دهد. کلماتی مثل **here, there, outside, upstairs** و **nearby** از رایج‌ترین قیدهای مکان هستند. با یادگیری جایگاه درست این قیدها در جمله، می‌توانید انگلیسی را دقیق‌تر، طبیعی‌تر و روان‌تر استفاده کنید.

سوالات متداول

قید مکان در انگلیسی چیست؟

قید مکان کلمه‌ای است که نشان می‌دهد یک عمل یا اتفاق کجا رخ می‌دهد.

مثال برای قید مکان در انگلیسی چیست؟

در جمله‌ی I'm here، کلمه‌ی here قید مکان است و معنی «اینجا» می‌دهد.

قید مکان در جمله انگلیسی کجا قرار می‌گیرد؟

قید مکان معمولا بعد از فعل اصلی، بعد از مفعول یا بعد از فعل to be می‌آید.

تفاوت قید مکان و حرف اضافه مکان چیست؟

قید مکان معمولا به‌تنهایی می‌آید، اما حرف اضافه مکان قبل از اسم قرار می‌گیرد؛ مثل outside و outside the house.